

محبت عالم، دانشجو دکتری مرکز انجمن زبان و
ادبیات فارسی و مطالعات آسیای مرکزی
دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی نو۔

نمایشنامه و نمایشنامه نویسی در ایران

ادبیات جهان دارای اصناف سخن مختلف است و نویسندگان بوسیله این صنف
گوناگون آثار خود را می نویسند و پیغام خود را می دهند۔ رواج نمایشنامه نویسی مانند رمان
نویسی، داستان نویسی، افسانه نویسی و غیره قدیم است۔ نویسندگان مختلف در این
اصناف ادبی آثار خود را ترسیم کرده اند۔ صنف نمایشنامه از زمان قدیم یونانی شروع
شده بود، رفته رفته در زمان جدید به اوج کمال رسید۔

نویسنده نمایشنامه مانند نویسنده رمان است۔ او یک داستان در نمایشنامه خود
می سازد و بوسیله آن پیغام خود را ترسیم می کند۔ نویسنده نمایشنامه، شخصیت که در نمایشنامه
خود می سازد بیشتر روشن و شفاف می باشد، چونکه شخصیت نمایشنامه پیش خوانندگان و
بینندگان مانند یک شخصیت زنده نظری آید و داستان و پیغام نمایشنامه را بر صحنه بازی
می کند۔ بسبب این پیغام داستان نمایشنامه بیشتر مؤثر می شود۔

صنف نمایشنامه در کشور انگلیسی خیلی پیشرفت کرده است، و نویسنده مانند
ویلیام شکسپیر این صنف را در سراسر جهان خیلی مشهور کرده است۔ نویسندگان در باره

اصناف نمایشنامه نوشته اند و بیان کرده اند که چطور ریک نمایشنامه به جلوی خوانندگان مؤثر می شود. چه چیزی در نمایشنامه باید داشته باشد. ویلیام شکسپیر در نمایشنامه خود چندتا عنصر نمایش روشن کرده است، وی می گوید که مردم در موقع بازی کردن نمایشنامه باید این عنصر را در ذهن خود داشته باشد.

1. Do not use too many hand gestures.

(حرکات دست بیش از حد بسیار استفاده نکنید)

2. Do not exaggerate words.

(کلمات مبالغه نکن)

3. Fit the action to the words and words to the action

(اقدام را به کلمات و کلمات را به اقدام متناسب کنید)

4. Act natural.

(بازیگری طبیعی)

این عنصر نمایشنامه را مؤثر می کند و بسبب آن یک نمایشنامه خوب به جلوی بینندگان به نظر می آید.

صنف نمایشنامه نویسی یکی از تازه ترین اصناف های ادبیات جدید فارسی در ایران به شمار می آید. گمان می رود که در زمان قدیم نمایشنامه نویسی در ایران رواج داشت، اما در باره این سند قطعی وجود ندارد:

"نمایش در ایران به شکل نمایشنامه عشق و شوق معرفی شد، آن که ده روز قبل از محرم اجرامی شود. آنها نمایش در صورت "تعزیه و شبیه خوانی"، "شاهنامه خوانی"، "مغ

کشان"، "گریستن مغان"، "عزاداری"، "بقال بازی"، و "بازی های خنده دار تحت حوض" داشته اند.

در سال 1366 ق بنای دارالفنون بفرمان ناصرالدین شاه، در شمال شرقی "ارک" سلطنتی تهران نهاده است، اما نمایش به معنی امروزی نخستین بار از طریق ترجمه ها به خصوص ترجمه های مولیر مطرح شد. نمایش و نمایشنامه نویسی که یکسره به معنی و مفهوم اروپای باشد، با تاسیس دارالفنون و ترجمه نمایشنامه های مولیر آغاز می گردد.

"مولیر استاد موسیقی در دارالفنون، اولین کسی هست که با ترجمه سه نمایشنامه فرانسه به فارسی مردم ایران را با فن آشنای داد. سپس زیر نفوذ این نمایشنامه ها میرزا فتح علی آخوندزاده هفت تا نمایشنامه در زبان ترکی و آذری نوشت. در دارالفنون تالار بزرگ نمایش بنا گردید و آن جا نمایشهای اروپا دایمی گردید. بعد از سالهای انقلاب مشروطه گروه های نمایش چون "شرکت فرهنگ"، "کمدی ایران"، "تیا تر ملی"، "ایران جوان" و غیره پدید آمد."

تجزیه و شبیه خوانی در دوران حکومت صفوی در ایران آغاز شد و تا عهد پادشاهان قاجاری رواج داشت. شبیه خوانها بیشتر جنبه عزاداری داشته ولی خنده داری هم بوده دیده می شود که از روزگاران پیش در کنار شبیه خوان یک نوع نمایش ملی شبیه به نمایش هم در ایران وجود داشت که از صحنه بازیها و شیرین کاریهایی که دلگکان و مسخره گان در باری و بازاری اجرامی کردند، بعضیها این صحنه ها ضمن اجرای یک رشته عملیات بند بازی و رقص و آواز، دشمنان خود را به باد مسخره می گرفتند:

"از آغاز دوره صفویه که دو شکل نمایش در ایران به طرز چشمگیری هویت می

یابد. یکی تعزیه بود و نمایش تحت حوضی بود. تعزیه که مدارک آن حداقل 250 سال سابقه را نشان می دهد، اصلاً بر بنای روایات مذهبی و از همه مهمتر وقایع غم انگیز کربلا پا گرفته است."

نمایشنامه نویسی بطرز اروپا در ادبیات فارسی از عهد قاجار و مخصوص در عهد ناصرالدین شاه شروع می شود. در رژیم ناصرالدین شاه حکمران و مردم ایران به کشورهای اروپا رفتند و از رسوم و آداب و ادبیات خارجی آشنا گردیدند و ناصرالدین شاه رسوم اروپا و فرهنگ اروپا در نمایشنامه های خود نشان داده اند. علاوه بر این دانشجویان ایرانی برای تحصیل به کشورهای اروپا فرستاده شدند. از این طور این گروه ایرانیان با آداب و رسوم و فرهنگ اروپا آشنا شدند و آنها برای رواج دادن آن گونه اوضاع نمایشنامه نویسی در ایران سعی کردند.

این طور بنظرمی آید که ایرانیان در دوران بازدید از کشورهای اروپا با نویسندگان چون "مولیر"، "ولتر"، و "ویکتو هوگو"، "لوشار" و بسیاری دیگر آشنا شدند. چند دانشمندان ایران نمایشنامه متعددی از ادبیات فرانسه به خصوص از نمایشنامه های مولیر به فارسی ترجمه کردند، مثلاً "گزارش مردم گریز" آثار مولیر از دست میرزا حبیب اصفهانی ترجمه شد. بعد از این دانشمندان دیگر هم از نمایشنامه های مولیر و از نویسندگان دیگر به فارسی ترجمه کردند و در تئاتر ایران به صحنه آوردند که در بین مردم بسیار مقبول شده اند. سپس چندتا نویسنده ایرانی بطرز اروپا دست به نوشتن نمایشنامه زدند. مثلاً میرزا فتح علی آخوندزاده نخست ایرانی است که بطرز اروپا نوشتن نمایشنامه پرداخت و چندین نمایشنامه به زبان آذربایجان و ترکی نوشت. میرزا جعفر قزاقچه داعی این

نمایشنامه‌ها را به فارسی در آورد. این ترجمه‌ها در ادبیات و مخصوصاً نمایشنامه‌نویسی در ایران نفوذ فوق‌العاده دارد، بعد از این در ایران کسانی پیدا شدند که به کار نمایشنامه‌نویسی به زبان فارسی دست زدند. نخستین ایرانی که دست به نمایشنامه‌نویسی بزبان فارسی زد میرزا آقا تبریزی بود که سه تا نمایشنامه نوشت. قبلاً این امتیاز به میرزا ملکم خان داده بود که اشتباه بود:

"نخستین دسته‌نمایشی که بعد از مشروطیت در تهران پدید آمد (شرکت فرهنگ) بود. چند نفر از مردمان فاضل و نجیب، که در ادارات دولتی هم چیز مشاغل عمده بودند و در میان ملت هم مقامی خاص و قبلی عام احراز کرده بودند، از آن حیثیت و شغل چشم پوشیده در ایران طریق قدیم گزاشتند -

پس از انقلاب مشروطه نویسندگان ایرانی فن نمایشنامه‌نویسی را برای انگلستان مردمان ایرانی وسیله خوب نداشتند و نویسندگان لیسوی این فن ملتفت شدند و برای افشا کردن خرابی‌های دولت و اجتماع درست دانستند. در این زمان نمایش‌های در تهران و شهرهای دیگر بر صحنه آمد که بسیاری از آنها ترجمه و تقلید نمایشنامه‌های نویسندگان خارجی بودند. نخستین تالارهای نمایش در شهرهای رشت، تبریز و شهرهای دیگر پدید آمد و در تهران گروه نمایش مانند: شرکت فرهنگ" کار خود را آغاز کرد که هر سال چند نمایش در پارکسهای تهران اجرامی کرد.

پس از آن در سال 1911 میلادی "تئاتر ملی" و "کمدی ایران" 1914 میلادی "کمدی موزیکال" 1920 میلادی "کلب موزیکال" 1923 میلادی پدید آمد که در رواج دادن هنر نمایش در ایران رول مهمی را ایفا کردند. بعداً گروه "ایران

جوان" پدید آمد که نمایشنامه نویسان چون علی نوروز با ان همکاری داشتند. این گروه اولین بار نمایشنامه معروف بنام "جعفر خان از فرنگ آمده آثار از علی نوروز را صحنه

آورد.

در مورد نمایشنامه نویسی نویسنده ایرانی زیاد بحث کردند که این هنر از اروپا نقل کردند، آقای جمشید ملک پوری یکی از نویسندگان ایران هم می گوید:

"یکی از عوامل مهم ارتباط نمایشی ایران با فرانسه در دوران قاجارها، آشناء و رواج زبان فرانسه در ایران است. همینطور رواج زبان فرانسه در کشورهای روسیه و عثمانی که از لحاظ جغرافیا و فرهنگی پیوندهای نزدیکی با ایران داشته و همچنین از لحاظ سیاسی نیز حوزه های نفوذ بسیاری در ایران دارا بودند. این نزدیکی سبب شناساء زبان فرانسه به عنوان زبان رسمی و درباری ایران می شود."

و چنانکه بعدها می بینیم این زبان، زبان رسمی دارالفنون نیز شده و بدین ترتیب بیشتر رجال و روشنفکران ایرانی از طریق زبان فرانسه با فرهنگ اروپاء آشنایی شوند. نگفته نماند، زمان رضا شاه در وزارت فرهنگ اداره نمایشات پدید آمد، از این راه کوشش در راه گسترده گی این هنر به

انجام رسید، در برنامه های تفننی و در جشن های دبستانها و دبیرستانها استعداد بازیگری کودکان و نوجوانان میدان خودنمایی یافت و به تدریج نویسندگان نامدار و دانشمندان برجسته نیز به این کار دل سپردند و نمایشنامه های پر مایه و موثر نوشتند و تنی چند از روشن بنیان راه کشور های اروپا پیوندتاد را در این رشته تحصیل نمایند و فن تئاتر را بر نامه هنری خویش بیفزایند.

بعداً مردمانی به این طرف متوجه شدند و نویسندگان نامدار و برجسته چون رضا کمال، عبدالرحیم خلخالی، حسن مقدم (علی نوری)، میر تقی قلی خان، بهران بههای و اکبر را دی نمایشنامه های پر مایه و موثر نوشتند و منتشر ساختند و اکثر از آنها روی صحنه آمد. چند نفر از دانشمندان و روشنفکران ایرانی راه کشورهای اروپا را پیوندتادراین رشته تحصیل کنند و فن نمایش و نمایشنامه نویسی را پر مایه تر سازند و از آثار ادبیات خارجی در زمینه نمایشنامه نویسی را بزبان فارسی ترجمه کردند. در اینجا چند تن از چهره های درخشان هنر نمایش و آثار مهم آنها معرفی می شوند که نقش بزرگی را برای گسترش این فن ملایفا کرده اند

غلامحسین ساعدی:

غلام حسین ساعدی معروف به گوهر مراد یکی از بزرگترین نمایشنامه نویسان ایران بشمار می رود. گوهر مراد در سال 1314 در تبریز به دنیا آمد. او در همان شهر تحصیلات ابتدای یافت. غلام حسین ساعدی در شهر تبریز خانواده آذربایجان ترکی متولد و بزرگ شده است. او در بخش پزشکی و متخصص در روانپزشکی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد. او بیشتر اوقات به عنوان یک پزشک در عمل به طور کلی در جنوب تهران بود. شارژ معاینه بیماران خود را هر چه آنها به سرداستطاعت، که در همراهی با سنت قدیمی ایرانی.

اولین بار در دوران دبیرستان دستگیر شد که دوسه ماهی در زندان بود. پس از پایان دوران دبیرستان به خدمت سر بازی رفت. او تحصیلات خود با درجه دکترای پزشکی گرایش روان پزشکی در تهران به پایان رساند در خیابان دلگشا در تهران قرارداد داشت. در این مدت داستانها و نمایش نامه های زیادی را چاپ کرد مانند خانه های شهری، شب

نشینی باشهوه، عزاداران بهیل، دندیل، مرغ انجبر، واهمهه های بی نام و نشان، ترس ولرز،
گور و گهواره، شهسته بند، شهابت، مهدی دگر، ساهه به ساهه و آشفته هه به بحالان بهدار
بخت.

پس از آن پنج سال به عنوان رزیدنت بیماریهای روانی در بیمارستان روزبه
کار کرد که پس از گذراندن دوره آن، هرگز مدرکش را دریافت نکرد.

"او بیشتر اوقات بدون گرفتن حق ویزیت بیمارانش را معاینه می کرد. این
فرهنگ ایران خیلی قدیمی بود که بدون پول معاینه کردن، چونکه قبل از غلام حسین ساعدی
بوعلی سینا هم این طور بدون پول به بیمارانش را معالجه میکرد."

چونکه بعضیها پول نداشتند که به پزشک پول بدهند، بخاطر این غلام حسین ساعدی از همه
بیماران حق معاینه نمی گرفت.

پس از آن حدود سال 1341 هجری شمسی به مطب برادرش دکتر علی اکبر
ساعدی در خیابان دلگشا میرفت که این مطب بیشتر محل گردهمایی نویسندگان و شاعرانی
مانند رضا برهنی، احمد شاملو، صمد بهرنگی، بهروز دهقانی و بود که تا میانهمه های شب در مطب
میهمانند و در زمینه ادبیات و مسایل سیاسی آن دوره به بحث و گفتگومی میپرداختند. هر از
گاهی هم وزارت بهداشت پیله میبکود و مطب را میببست. یکبار هم که نصف شب غلام
حسین ساعدی قصد داشت وارد مطب شود، سر بازی او را به عنوان دزد گرفت و غلام
حسین ساعدی را چنان کتک زد که لبش چاک خورد و در بیمارستان "جاوید" لبش را
عمل کردند. و در آن قسمت لبش دیگر سبیل در نیاورد.

سال های 1345-1346 هجری شمسی اوج سال های کاری غلام حسین

ساعدی بود. از سال 1332 تا 1353 هجری شمسی در یک دوره سی سال حدود شصت داستان کوتاه هفت رمان نوشت. از نمایشنامه هایش میخوان از بار با فیه با درنگر، هلا تهبگل، چوب به دستهای ورزبل، بهتر بن بابای دنهاي پنج نمايش نامه از انقلاب مشروطيت، آي با هلاه، آي بهلاه، خانه روشني، دهمه و زاوه، پرواز بندان، داي بر مغلوب را نام برد. يكي از بهترينه آثار غلام حسين ساعدي مجموعه داستان "عزاداران بيل" مي باشد. يكي از اين قصه ها "گاو" نام دارد. داستان "گاو" داستان مردی به نام مشهدی حسن است که از مال دنیا تنها یک گاو دارد. و روزی پس از اینکه به خانه میآید میبیند که گاوش مرده است. مشهدی حسن برای درک شرایط و موقعیتش خودش گاو میبشود. گاو شدن "مشهدی حسن"، در یک روند احساسی و واقعی نشانه داده شده است. در زمان ساخت فیلم "گاو" غلام حسین ساعدي در تمام صحنه ها حضور داشت. حتی روستای که فیلم را در آن بازی کردند، غلام حسین ساعدي پیدا کرد. این روستا در فاصله دو شهر قزوین و رشت در ایران قرار دارد.

يكي ديگر از قصه هاي "عزاداران بيل" در مورد موسرخ است. که همواره گرسنه است و هر چه می خورد سیر نمی شود. در روستایی که فقر و بیچارگی غوغای کند و چیزی جز نان بیات و ریشه گیاهان وجود ندارد مردم ده نمیدانند باید با او چه کنند و چه چیزی برای خوردن او پیدا کنند. که نحوه ادامه داستان بسیار جالب است.

تیم (theme) و موضوع داستانهای "عزاداران بيل" فقر و خرافات است. در قصه های دیگر از "عزاداران بيل" خرافات مردم روستا به تصویر کشیده شده است. مردمی که به شی سیاهی که در روستا پیدای کنند خیل می بندند و نذرو نیازی کنند.

دنیای داستانهای غلام حسین ساعدی در مورد روشنفکران مردم، روستا نشینان
گدا و لگدهای حاشیه اجتماع است. او جامعه های را در اکثر داستانها هایش به تصویری
کشد که مردمی نگران، مردود و ترسو در فضایی بیمارگونه و جامعه های تبار زندگی می کنند. ما آد
م های داستانهایش را خوب می شناسیم از کارآدمهای دور و بر خودمان هستند. این مساله
نشان میدهد که او آنها را خوب می شناخت. از معاش آنها خبر داشت و گرفتار یه ایشان را
میدانست و میدانست که نسبت به مسائل شان چگونه برخورد می کنند، بدون این که فلسفه
بانی کند. نمایشنامه گوهر مراد برای فهمیدن خیلی ساده است:

او کردار را بطور سمبول به کاری برد. نویسنده برجسته در نمایشنامه های خود در باره
موضوع های گوناگون مثلاً سیاسی و اجتماعی دولت و مردم و مقام زن را بحث کرده است.
او در نمایشنامه بر علیه رژیم استبدادی صحبت می کند و از مقام و حقوق آنها دفاع می
کند. علاوه بر این گوهر مراد در نمایشنامه خود موضوع چون تحول زندگانی. اجتماعی و سیاسی
مردم طبقات متوسط و پایین را در نمایشنامه خود بحث کرده است.
اثار و فعالیت های گوهر مراد:

کارهای مهم گوهر مراد و در روزنامه های فریاد، صعود، چاپ شده است.
جوآنان آذربایجان و دانش آموز (هفته نامه)، در سال 1331 در تهران چاپ شد.
داستان "خانه های شهری" در سال 1334 در تبریز چاپ شد.
داستان کوتاه "آفتاب مهتاب" در سال 1334 در تهران در مجله سخن چاپ شد.
نمایشنامه "پیگمالیون" در سال 1335 در تهران چاپ شد.
داستان کوتاه "مرغ انجیر" در سال 1335 در تهران چاپ شد.

- نمایشنامه "لیلا جها" در سال 1336 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "قاصدکها" در سال 1337 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "خانه برف" در سال 1337 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "کار با قهها در سنگر" در سال 1339 در تبریز چاپ شد.
- نمایشنامه "بامها و زیر بامها" در سال 1340 در تهران چاپ شد. نمایشنامه "عروسی"،
 "گرگها" پنج نمایشنامه در سال 1341 در تهران چاپ شد.
- داستان کوتاه "راز" و "عزاداران بیل" در سال 1342 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "چوب به دست های ورزیل" در سال 1344 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "بهترین بابای دنیا" در سال 1344 در تهران چاپ شد.
- مجموعه نمایشنامه "انقلاب مشروطیت" در سال 1345 در تهران چاپ شد.
- مجموعه نمایشنامه "خانه روشنی" در سال 1346 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "آی بی کلاه آی با کلاه" در سال 1346 در تهران چاپ شد.
- دو نمایشنامه "دیکته" و "زاویه" در سال 1347 در تهران چاپ شد. فیلمنامه "فصل
 گستاخی" در سال 1348 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "جانشین" در سال 1349 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "چشم در برابر چشم" در سال 1350 در تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ شد.
- نمایشنامه "این به آن در" در سال 1355 در تهران چاپ شد.
- داستان "کالته نان" برای کودکان در سال 1355 در تهران چاپ شد.
- نمایشنامه "ماه عسل" در سال 1357 در تهران چاپ شد.

کتاب فارسی

- آرین پور، یحیی: از صبا تا نیا، جلد اول، تهران: زوآر، 1372
- آرین پور، یحیی: از صبا تا نیا، جلد دوم، تهران: زوآر، 1372
- آرین پور، یحیی: از نیا تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)، جلد سوم، تهران: زوآر، 1374.
- سجانی، توفیق: تاریخ ادبیات ایران، تهران: زوآر، 1386
- بزاعی، بهرام: سه نمایشنامه اروسکی، چاپ خانه تابیش، تهران، 1332
- ملک پور، جمشید: ادبیات نمایشی در ایران، جلد اول، انتشارات توس، اول خیابان دانشگاه، 1363
- ملک پور، جمشید: ادبیات نمایشی در ایران، جلد دوم، انتشارات توس، اول خیابان دانشگاه، 1363
- بالائی، کریمستف: پیدایش رمان فارسی (مترجمان: مهوش تقوی - نسیرین حطاط) انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه در ایران، 1998
- حقوقی، محمد: مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نثر داستان) جلد اول، نشر قطره، تهران 1389
- بالائی، کریمستف و میشل کولی پرس: سرچشمه های داستان کوتاه فارسی (ترجمه: دکتر احمد کریمیچاک) انتشارات معین، انجمن ایرانشناسی فرانسه، تهران، 1378
- فتوحی، محمود: نظریه تاریخ ادبیات با بررسی انتقادی تاریخ ادبیات نگاری در ایران، تهران 1382
- وفایی، عباسعلی: سفر در آینه نقد و بررسی ادبیات معاصر، تهران، 1387
- روزبه، محمد رضا: معاصر ادبیات ایران (جلد شعر)، نشر روزگار، تهران، 1381

- روزبه، محمد رضا: معاصر ادبیات ایران (جلد نثر)، نشر روزگار، تهران، 1381
- عابدینی، حسن میر: داستان نویسی صد سال ایران، جلد اول و دوم، چاپ حیدری، تهران 1377
- عابدینی، حسن میر: داستان نویسی صد سال ایران، جلد سوم و چهارم، نشر چشمه، تهران، 1377
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی: الفبای جدید و مکتوبات، خوارزمی، تهران
- تبریزی، میرزا آقا: پنج نمایشنامه، کوشش ح، صدق، طهوری، 1354
- سپانلو، محمد علی: نویسندگان پیشرو ایران، موسسه انتشارات نگه، تهران
- صلاح الدین: آغاز و پیشرفت رومان نویسی تاریخی به فارسی، اکیدی آپیکسیلنسی، دہلی 2004
- آصف، مظہر: ادبیات کلاسیک و جدید (حصہ نثر)، دہلی 2005

English Books

- Faique, Mohammad; A complete Study of Persian Drama, Nice Books, Parwana Road, Khureji, 1999 Delhi, 110051
- Mage, Heshmat Mayad; Stories from Iran, Edited by him, Publisher, Washington DC,
- 2002 SHAKESPEAR, WILLIAM; HAMLET; PENGUIN BOOKS 2010
- Murad, Gauhar; Dikteh, Eng. Tr. Dr. Mrs. (S.B.F. Husaini, Nishat Publications 1994 Delhi, 110051
- Arasteh, A. Reza and Arasteh, Josephin; Marand Society in Iran, E.J. Brill, Leiden, 1970
- Arasteh, R; Education and Awakening in Iran, E.J. Brill, Leiden, 1962
- Kamshad, H; Modern Persian Prose Literature, University Press, Cambridge, 1996

